

تصمیم گرفتہ خودم باشم

سو هیون کیم

www.ketab.ir



سرشناسه

کیم، سو هیون

Kim, Soo-Hyun

عنوان و نام پدیدآور

تصمیم گرفتم خودم باشم/مولف سو هیون کیم ؛ مترجم زهرا جیرانی.

مشخصات نشر

تهران: محراب دانش، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری

۱۷۶ص.

شابک

978-622-5408-01-2

وضعیت فهرست نویسی

فیبا

یادداشت

I decided to live as me.: عنوان اصلی:

موضوع

خودشناسی

Self-perception

راه و رسم زندگی -- جنبه های روانشناسی

Conduct of life -- Psychological aspects

نگرش (روانشناسی)

(Attitude (Psychology

شناسه افزوده

جیرانی، زهرا، ۱۳۴۵ - مترجم

رده بندی کنگره

۶۳۷BF :

رده بندی دیویی

۲/۸۵۵

شماره کتابشناسی ملی

۲۸۸۴۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



www.ketab.ir

تصمیم گرفتم خودم باشم

◆ مولف: سو هیون کیم

◆ مترجم: زهرا جیرانی

◆ نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۲

◆ ناشر: محراب دانش

◆ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

◆ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۴۰۸-۰۱-۲

◆ چاپ و صحافی: ویرا

◆ کلیه حقوق مادی و معنوی محفوظ است.

دفتر انتشارات و فروش:

خیابان فلسطین، خیابان لبافی نژاد، نرسیده

به خیابان دانشگاه، طبقه اول، پلاک ۱۱۵

تلفن: ۶۶۴۶۵۸۸۱ - ۶۶۴۹۸۳۰۰

فهرست

۴.....	تصمیم گرفتیم خودم باشیم
۵.....	کیم سو هیون
۶.....	مقدمه
۸.....	هدف
۱۱.....	فصل یک
۴۱.....	فصل دو
۶۷.....	فصل سه
۸۵.....	فصل چهار
۱۰۵.....	فصل پنج
۱۲۹.....	فصل شش

مقدمه

□ یاد می‌آید همیشه دربارهٔ «دلایل» کنجکاو بودم؛ حتی زمانی که دانش‌آموز بودم، هنگامی که معلم از من می‌خواست کاری انجام دهم، همیشه می‌پرسیدم: «چرا؟»

□ مردم فکر می‌کردند من حرف گوش نمی‌کنم؛ اما من فقط سؤال می‌پرسیدم، چون واقعاً می‌خواستم دلیل آن را بدانم. برای من خیلی سخت بود که سؤال نپرسم و حاضر جوابی نکنم.

□ وقتی بزرگ شدم، ناگهان احساس پوچی و درماندگی کردم و با مدارک ناقص و چند مهارت به‌دردنخور در دوران سرگردانی به سر بردم. فرد بلا تکلیفی بودم که نمی‌توانستم چیزی را متعلق به خودم بدانم و چیزی برای تأمین آیندهٔ خود نداشتم.

□ چه چیزی می‌توانست مرا این قدر سرگردان کند؟ آن موقع فکر کردم شاید کار اشتباهی انجام داده‌ام. آیا رشتهٔ اشتباهی انتخاب کرده‌ام؟ آیا در دوران دانشگاه سخت‌کوش نبودم؟ آیا در سنگم بردباری بیشتری به خرج ندادم؟ مهم نیست آن زمان چقدر به آن فکر کردم، گمان نمی‌کنم کار اشتباهی انجام داده باشم. البته من نیز در اشتباهات و احساس سردرگمی خود سهمی داشته‌ام؛ اما آیا آزمون و خطا بخشی طبیعی از زندگی نیست؟

□ درست مثل زمانی که دربارهٔ دلایل سخنان معلم کنجکاو بودم، آن زمان هم می‌خواستم بدانم چرا کسی که هیچ کار اشتباهی انجام نداده است، این قدر احساس پوچی می‌کند.

□ در آن زمان سعی کردم کتاب‌های زیادی بخوانم؛ نه به این دلیل که خواندن سرگرمی من بود، بلکه واقعاً می‌خواستم بدانم چرا. چرا به پوچی رسیده‌ام؟ چرا مطابق انتظارات نیستم و چرا آدم بی‌ارزشی هستم؟

□ زمانی که سعی کردم به دنبال پاسخ‌ها بگردم، در نهایت به این نتیجه رسیدم که حتی اگر دنیا برای وجود من ارزش قائل نباشد، من به خودم احترام می‌گذارم و همین برایم کافی است تا بتوانم با اطمینان همان‌طور که هستم، زندگی کنم.